

۲۶ نگین های
زبان شناسی

معنای معنی

مطالعه‌ای در باب تاثیر زبان بر تفکر و دانش نمادگرایی

چارلز کی آگدن
آیور آرمسترانگ ریچاردز

ترجمه: کورش صفوی

معنای معنی

مطالعه‌ای در باب تأثیر زبان بر تفکر و دانش نمادگرایی

سرشناسه	:	آگدن، چارلز کی، ۱۸۸۹ - ۱۹۵۷ م. Ogden, C. K. (Charles Kay)
عنوان و نام پدیدآور	:	معنای معنی: مطالعه ای در باب تاثیر زبان بر تفکر و دانش نمادگرایی/ چارلز کی آگدن، آیور آر. مسترانگ ریچاردز؛ [مترجم] کورش صفوی.
مشخصات نشر	:	تهران: نشر علمی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۵۹۲ ص.: مصور.
شابک	:	۹۷۸-۹۶۴-۲۰۴-۳۶۸-۰
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
پادداشت	:	عنوان اصلی: The meaning of meaning : a study of the influence of language upon thought and of the science of symbolism, 1989.
پادداشت	:	کتاب حاضر قبلاً تحت عنوان " معنای معنا " با ترجمه محمود فضیلت و مریم نویدی توسط انتشارات زوار در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است.
پادداشت	:	واژه نامه.
پادداشت	:	کتابنامه.
عنوان دیگر	:	مطالعه ای در باب تاثیر زبان بر تفکر و دانش نمادگرایی.
عنوان دیگر	:	معنای معنا.
موضوع	:	معنی (روانشناسی) Meaning (Psychology)
موضوع	:	نشانه شناسی Semiotics
موضوع	:	زبان -- روان شناسی Psycholinguistics
موضوع	:	زبان -- فلسفه Language and languages -- Philosophy
شناسه افزوده	:	ریچاردز، آیور آر. مسترانگ، ۱۸۹۳ - ۱۹۷۹ م.
شناسه افزوده	:	Richards, I.A. (Ivor Armstrong)
شناسه افزوده	:	صفوی، کورش، ۱۳۳۵ - مترجم
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۷ م BF۴۶۲/۷۱۶
رده بندی دیویی	:	۱۲۱/۶۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۲۷۹۳۸۶

معنای معنی

مطالعه‌ای در باب تأثیر زبان بر تفکر و دانش نمادگرایی

چارلز کی آگدن

آیور آرمسترانگ ریچاردز

کورش صفوی

دانشگاه علامه طباطبائی





خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران شماره ۱۲۲۴

تلفن: ۶۶۴۶۰۶۶۷ فکس: ۶۶۴۹۶۶۱۱

معنای معنی

مطالعه‌ای در باب تاثیر زبان بر تفکر و دانش نمادگرایی

چارلز کی آگدن، آیور آرمسترانگ ریچاردز

ترجمه: دکتر کورش صفوی

(دانشگاه علامه طباطبائی)

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: مهارت

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۳۶۸-۰۰

مرکز پخش: انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - شهدای زاندارمری - پلاک ۱۰۳

تلفن تماس جهت دریافت کتاب در منزل یا محل کار: ۱۲ و ۵۱۱-۶۶۴۶۰۷۲-۶۶۴۶۳۰۷۲

یادداشت ناشر

با تلاش مداوم و ستودنی نسل‌های پی در پی زبان‌شناسان ایران، آنچه در آغاز در قالب دانشی نوپا و وارداتی در علوم انسانی به‌کشورمان راه یافته بود، اکنون به علمی بومی و در خدمت زبان فارسی و زبان‌های ایران قرار گرفته است.

امروز دیگر بر تمامی متخصصانی که به نوعی با مطالعه‌ی زبان سروکار دارند، آشکار شده است که آگاهی از ابزارهای علمی چنین مطالعاتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به حساب می‌آید.

انتشارات علمی با بیش از صد و پنجاه سال خدمت در ساحت فرهنگ و نشر برای انتشار مجموعه‌ی وسیع از آرای برجسته‌ترین متخصصان این مرز و بوم به‌ویژه در حوزه مطالعات ادب فارسی، افتخار دارد مجموعه‌ی تازه‌ی خود را با نام «نگین‌های زبان‌شناسی» در اختیار تازه‌آشنایان با زبان‌شناسی و نیز متخصصان این حوزه قرار دهد.

این مجموعه، شامل ترجمه و تالیف نوشته‌هایی است که به همت یاران «علمی» در اختیار علاقمندان قرار خواهد گرفت.

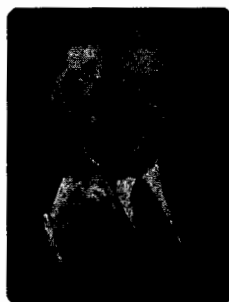
محمدعلی علمی

چارلز کی آگدن^۱ (۱۸۸۹-۱۹۵۷)، مدرک دکتری خود را از کالج ماگدالین^۲، یکی از دانشکده‌های وابسته به دانشگاه کمبریج انگلستان در رشته‌ی زبان انگلیسی دریافت کرد. وی از سال ۱۹۰۹ میلادی، کار خود را با مطالعه‌ی ارتباطات بین‌المللی و تأثیر زبان بر تفکر آغاز کرد و در همین پیوند، سفرهای متعددی به کشورهای اروپایی، هند، و ایالات متحده‌ی آمریکا کرد تا به مطالعه‌ی روش‌های تدریس زبان بپردازد. آگدن در



بازگشت به انگلستان اقدام به تأسیس مؤسسه‌ی پژوهش دریاب نظام نوشتاری زبان انگلیسی کرد. او نخستین متخصصی است که به مطالعه در حوزه‌ی واژگان پایه پرداخت و فهرستی از ۸۵۰ واژه‌ی پایه‌ی اول زبان انگلیسی را استخراج کرد. جدا از نوشته‌هایش با همکاری آیور آرمسترانگ ریچاردز، چندین کتاب از جمله معنی‌روانشناسی (۱۹۲۶)، نظام انگلیسی پایه (۱۹۳۴)، فرهنگ عمومی انگلیسی پایه (۱۹۴۲) از او باقی مانده است که هریک به‌نوبه‌ی خود، نقشی عمده در مطالعات پس از زمانه‌ی او داشته‌اند.

آیور آرمسترانگ ریچاردز^۳ (۱۸۹۳-۱۹۷۹) مدرک دکتری خود را از کالج ماگدالین دانشگاه کمبریج در رشته‌ی زبان و ادبیات انگلیسی دریافت کرد و از سال ۱۹۲۲ میلادی در سمت استادیار، برای تدریس زبان انگلیسی و فلسفه‌ی اخلاق، به استخدام دانشگاه کمبریج درآمد. چهار سال بعد، ریچاردز به سمت استاد تمام وقت کالج ماگدالین منصوب شد. دیدگاه‌های وی که با همکاری آگدن در کتاب مبانی زیباشناسی (۱۹۲۱)



-
1. Charles Key Ogden 2. Magdalene College
 3. Ivor Armstrong Richards

منتشر شده بود، در معنای معنی (۱۹۲۳) به تفصیل بیان شده‌اند. از سایر نوشته‌های او می‌توان به اصول نقد ادبی (۹۲۵)، نقد عملی (۱۹۲۹)، کولیریچ در باب تخیل (۱۹۳۵)، فلسفه‌ی بلاغت (۱۹۳۶) اشاره کرد. کتاب نقد عملی او، برای نخستین بار، کاربرد روان‌شناسی را در نقد ادبی معرفی کرد و به روشی منسجم در آموزش نقد ادبی مبدل شد. کتاب خدا حافظ زمین و اشعاری دیگر (۱۹۵۸)، مجموعه‌ای از سروده‌های ریچاردز را دربر دارد.

فهرست مطالب

۱۷	پیشگفتار مترجم
۲۳	پیشگفتار ویراست نخست
۳۳	پیشگفتار ویراست دوم
۳۵	پیشگفتار ویراست سوم
۳۷	پیشگفتار ویراست چهارم
۳۹	پیشگفتار ویراست هشتم

فصل ۱. اندیشه‌ها، واژه‌ها، و چیزها

معنی، مسأله‌ی اصلی زبان و نادیده گرفتن آن در علومی که بیشترین ارتباط را با مطالعه‌ی معنی دارند، ۴۵. مطالعه‌ی معنی از سوی فلاسفه، به تفصیل در همین فصل و مرحله به مرحله، به‌ویژه در فصل ۸ گزارش شده است. رهیافت فقه‌اللغوی. قاعده‌بندی کاملاً مشخص پروفیسور پُست‌گیت، ۴۶. نارسایی معنی‌شناسی: برآل، ۴۷. ف. دوسوسور و زبان، ۴۹. قوم‌شناسان: بوآس، ۵۲. شکل‌بندی تازه‌ی روان‌شناسی، امکان مطالعه‌ی علمی نمادها را ممکن می‌سازد،

اهمیت نمادها در تمامی مباحثات و مطالعات. نمادگرایی به مثابه مطالعه‌ی تأثیر نمادها بر تفکر، ۵۴. نقش‌های چندگانه‌ی نمادها. نقش ساماندهی و ارتباطی نمادها در درجه‌ی نخست اهمیت، ۵۵. بحث درباره‌ی نقش‌های عاطفی نمادها به فصل ۷ موکول شده است. نمودار سهل الوصول رابطه میان نماد، ارجاع، و مصداق، ۵۷. رابطه‌ی میان واژه‌ها و چیزها، غیرمستقیم است و از طریق ارجاع تحقق می‌یابد، ۵۸. خطرات کوتاه‌نوشت‌ها، ۵۹. پیشرفت در علم از طریق مخالفت و عدم پذیرش. نسبیت؛ روانکاوی، ۶۳.

سوءتعبیر، ۶۱. پیچیدگی‌های ناشی از کلام انحرافی؛ دروغ، ۶۳. اهمیت ثانوی این دسته از مسایل فرعی، ۶۵.

ضرورت طرح نظریه‌ای درباره‌ی تفسیر و مبتنی بر مطالعه‌ی دیگری، ۶۷. تردید درباره‌ی درون‌نگری. عدم امکان مطالعه‌ی خودمدارانه‌ی ارتباط؛ بالدوین، ۶۹. تنوع و گوناگونی حضور نشانه‌ها، ۷۰. جایگاه منحصربه‌فرد نمادها، ۷۲.

فصل ۲. قدرت واژه‌ها

نمادها به مثابه منبع دایمی شگفتی و خیال. رواج نمادستایی در میان عوام، ۷۵. زبان، محمل ابتدایی‌ترین انگاره‌ها و احساسات انسان، ۷۶. نام در هیئت جان. نام‌های پنهان، ۷۷.

خرافه‌ی کلامی هنوز رواج دارد. دلایل انتشار گسترده‌ی این دسته از پندارهای موهوم. سازه‌بندی‌های صرفاً کلامی در فلسفه‌ی جدید، ۷۹. ادعا درباره‌ی جهان هستی؛ برتراند راسل در مقام یک نوافلاطونی، ۸۲.

نگرش یونانی به زبان. دیدگاه افلاطون، محصول شکل اولیه‌ی جادوی واژه، ۸۳. هراکلیتوس، فیثاغورث، ۸۴. پارمنیدس، «مَثَل» افلاطون برگرفته از روح-نام فیثاغورثی. بی‌اعتنایی به کراتیلوس افلاطون، ۸۵. وابستگی ارسطو به واژه‌ها. منطق مبتنی بر دستور ارسطو، شواهد ویول و ومپرتس، ترفندهای زبانی، مشخصه‌ی دیالکتیک یونانی، ۸۶. نقد مواتر بر کلامگرایی ارسطو؛ رساله‌ی

در باب تعبیر، ۸۷ خرافات کلامی در روم، ۸۹ شاهدهی برای اثبات درک یونانیان از تأثیر گمراه کنندهی زبان، ۹۰. صراحت بیشتر در بودیسم؛ انسیدموس و شکاکیون، تنها کسانی که در دورهی باستان به مسألهی نشانه‌ها از منظری علمی می‌نگریستند، ۹۱.

شرق، منزلگاه راستین خرافه‌های کلامی. اوراد: جادوی کلامی و طب کلامی، ۹۳. جادوی کلامی حتی امروزه نیز کاربرد دارد، البته در شکل و شمایل تازه. منطق دانان در مقام عارف، ۹۴. دیدگاه ریگنانو در باب پوسته‌ی سخت کلام. پژواک عاطفی در متافیزیک، ۹۵. جادوی واژه در طب جدید، ۹۶.

تنها با تحلیل شرایط نشانه و نماد است که می‌توانیم از این تأثیرات خلاصی یابیم. وجود چنین مسأله‌ای تنها در همین سال‌های اخیر معلوم شده است. پیشگامان مطالعه‌ی علمی نشانه، از ویلیام اوکامی تا ماوتنر، ۱۰۰.

گام بعد. ضرورت طرح نظریه‌ای در باب نشانه‌ها برای تحلیل معنی نمادها. نظریه‌ای که می‌تواند بر جادوی کلامی پرتو بیافکند، ۱۰۱.

فصل ۳. شرایط نشانه

نظریه‌ای در باب معنی وابسته به نظریه‌ای در باب نشانه‌هاست. ارجاع، یعنی رابطه‌ی میان یک اندیشه و مابه‌ازایش که منحصر به فرد نیست، ۱۰۵. ادعای رابطه‌ی مستقیم میان اطلاع و «گزاره‌ها». کینس، لیپس، هوسرل، فان‌گینکن، ۱۰۶. گزارش‌های روان‌شناختی پیشین در باب دانش، در قالب تداعی، خودآگاهی، و القاء. پویایی نصفه و نیمه. تحول در قالب علّیت مبتنی بر حافظه؛ زمون، ۱۰۸. توضیحات و توجیهات؛ کرم پروانه‌ی لوید مورگان، ۱۱۰.

کاستی‌های زبان علی، ۱۱۲. بازگویی در قالب بافت‌های تکرارشونده، ۱۱۴. نمونه‌هایی از بافت‌های برون‌ی و روانی، ۱۱۵. تعریف بافت، ۱۱۶. چگونه بافت‌ها تکرار می‌شوند. جامعیت بافت‌ها و احتمالی بودن‌شان، ۱۱۷.

کاستی‌های مطالعات مبتنی بر تصویرپردازی. تصورات به مثابه تجملات حیات ذهنی، ۱۱۸. خطرات این تصورات، ۱۱۹. راسل. نظریه‌ی بافت‌مدار ارجاع و طرح آن در قالب موردی دور از انتظار. صدق یا کذب ارجاع، بیشتر مسأله‌ای مرتبط با تکرار یا عدم تکرار بافت است. بسط این دیدگاه به توقعاتی که نشانه‌هایشان به نوبه‌ی خود به باور مبدل شده‌اند؛ و افزون‌براین، بسط این دیدگاه به تمامی موارد تعبیر، از موردی خاص به مورد خاص دیگر، ۱۲۱. بسط و گسترش به ارجاعات عام، ۱۲۲. عمومیت و خصوصیت ارجاعات ابتدایی، و نه عمومیت و خصوصیت نمادین منطق. شرایط ارجاعات عام، ۱۲۳. ارجاعات عام و ارجاعات غیرعام؛ یعنی ارجاع به کل و ارجاع به جزء، ۱۲۴. بررسی دقیق بافت‌ها، وظیفه‌ی آتی روان‌شناسی، ۱۲۶.

مصادق‌های باورهای کاذب، ۱۲۷. گزاره‌ها به منزله‌ی ارجاعات؛ یعنی مختصات رابطه‌ای فرایندهای ذهنی. «صورت منطقی» به مثابه ساخت ارجاعات. شمول ارجاعات در ارجاعات مرکب، ۱۲۸. تمامی ارجاعات ترکیبی، قابل تجزیه به ارجاعات ساده‌اند؛ یعنی تصورات یا مفاهیمی که نامعین و صادق‌اند، ۱۲۹. تصورات و باورها تنها در پیچیدگی و مختصات عاطفی-ارادی با یکدیگر تفاوت دارند. معرفتی ارجاع صرفاً از طریق پیچیدگی و ترکیب قابل دسترسی است، ۱۳۰. ارجاع کاذب و مرکب از ارجاعات ساده و صادق، ۱۳۱. نمونه‌هایی از باورهای ترکیبی و کاذب، ۱۳۲.

مطابقت نظریه‌ی بافت‌مدار ارجاع، با روش‌های علمی جدید. وابستگی این نظریه به نظریه‌ی احتمالات، ۱۳۳. پیشنهادهایی برای طرح نظریه‌ای درباب احتمالات، ۱۳۴. سوءتعبیر، مناسبت، تداخل، ۱۳۶.

فصل ۴. نشانه‌ها در درک

نظریه‌ی تعبیر و کاربرد آن در درک، ۱۴۱. مشکلات پرسش «چه می‌بینیم؟»، به دلیل نادیده گرفتن شرایط نشانه‌ی دخیل؛ هلم هولتس، ۱۴۳. دریاب روال نمادین نادرست، ۱۴۴.

تأثیرات اندام‌های حسی ما به مثابه نشانه‌های اولیه‌ای که تعبیر می‌کنیم، ۱۴۵.
درک مستقیم، رویدادی در اعصاب. برکناری ماتریالیسم از حاکمیت، ۱۴۶. این
دیدگاه صرفاً نوعی حسن‌ختم برای جامع‌ترین نظام محقق دانستن ارجاعات
است که تاکنون معمول بوده است. در حال حاضر بلامنازع است، ۱۴۷. برخی از
تصفیه‌های انگشت‌نما، با نمایش شرایط نشانه، به کناری نهاده می‌شوند، ۱۴۹.
بسط این چینی نمادها به منزله‌ی روش ضد متافیزیکی و عام، ۱۵۰.

فصل ۵. معیارهای نمادگرایی

مفروضات دریاب ایجاد ارتباط. منطق در نقش دانش نمادپردازی نظام‌مند،
۱۵۵.

معیار انفراد؛ به‌ویژه، نمادهای ریاضی، ماهیت ریاضیات، ۱۵۶. ویتگنشتاین،
ریگنانو، جیمز میل، ۱۵۷. همانندی ارجاعات، ۱۵۹. جایگزینی نماد، ۱۵۹.

معیار تعریف. همانندی ارجاع و همانندی مصداق. مشکلات مورد بحث،
۱۶۰.

معیار گسترش. نقش «فلسفه». سطوح ارجاع. گسترش باید شرایط نشانه‌ی
دخیل را نشان دهد، ۱۶۲. انبساط و انقباض‌های نمادین. اسباب ثبات «جهانی»
نماد. توهم وجود نوعی عالم «هستی»، ۱۶۳. راسل، ۱۶۵. زیان در هیئت یک
ابزار، ۱۶۶. نمادهای نادرست در تمایز با نمادهای کاذب. عالم مقال، ۱۶۸.

معیار واقعیت. کشف مصداق. مصداق‌های دروغین، ۱۷۴. نمونه‌هایی از
مطلب، ۱۷۵.

معیار سازگاری. پرهیز از بی‌معنایی و «ضدنام»‌ها. «قوانین تفکر»، ۱۷۶.

معیار فردیت. «مکان» یک مصداق. «مکان» به مثابه‌ی ضمیمه‌ی نمادین،
۱۷۷. ترجمه و گسترش گزاره‌های کاذب. اهمیت گسترش در آموزش و مباحثه،
۱۷۹.

فصل ۶. نظریه‌ی تعریف

چهار مشکل عمده در برابر طرح نظریه‌ای دریاب تعریف، ۱۸۳. الف) تعاریف کلامی و تعاریف «واقعی»، ۱۸۴. ب) تعاریف و اظهارات. پ) تعاریف خلق الساعه. «عالم مقال». ت) تعریف فشرده و تعریف گسترده، ۱۸۶.

فن تعریف. انتخاب نقاط شروعی که بتوان از این نقاط به مصداق‌های پرتردید متصل شد. گونه‌های اتصال معدودند. دلایل این امر، ۱۸۸. ملاک‌های نقاط شروع، ۱۹۰. امتیازهای زبان ایما و اشاره، ۱۹۱. روابط پیچیده و غیرمستقیم، ۱۹۲. فهرست راه‌های متداول تعریف، ۱۹۳.

به کارگیری این فن در بحث. مغالطه در تلاش برای تعریف نمود. تعاریف نظام‌مند و تعاریف موردی، ۱۹۴. غیرنمادی؛ یعنی واژه‌های غیرقابل معرفی، ۱۹۶. نمونه‌ی «خوب»، ۲۰۱. خطا در جستجوی عنصر مشترک در کاربردهای متنوع. دلایل این امر، ۲۰۲. مشکلات آفرینش واژه‌های تازه، ۲۰۳. روش تفکیک، ۲۰۳. قواعد جستجوی ورق‌به‌ورق. نامگذاری ترفندهای بحث‌انگیز. پیشنهاد شوپنهاور، ۲۰۹. تمایز سه ترفند از یکدیگر: ترفند آوایی (مورد میل)، ترفند موجودیت‌بخشی، ترفند وارونگی، ۲۱۰. سپرهای دفاعی دیگر برای درمان ماندن از سهل‌انگاری‌های بحث‌انگیز. واژه‌های خطرناک. محرک‌ها، منحنی‌ها، توخالی‌ها (متیو آرنولد)، آواره‌ها (لاک)، ۲۱۳. ارزش نوعی روش انتقال‌پذیر، ۲۱۶.

فصل ۷. معنی زیبایی

بحث جاودانه‌ی زیبایی، حوزه‌ای مناسب برای ارزشیابی نظریه‌ی تعریف. هرج و مرج در زیبایی‌شناسی، ۲۲۲. روپرت بروک، بندتو کروچه، ۲۲۳. تفکیک کاربردهای واژه، ۲۲۵. روابط درونی این کاربردها، ۲۲۶. اصطلاحات هم‌ریشه و هم‌نوع، ۲۲۷.

نقش‌های چندگانه‌ی زبان. کثرت بی‌معنایی آشکار در بهترین نقدها؛

لونگینوس، کولریچ، برولی، مک‌گیل، ۲۳۱. کاربرد نمادین و عاطفی واژه‌ها. اظهارات و درخواست‌ها. گوینده و شنونده، ۲۳۲. نقش‌های نمادین و عاطفی آشکار و واضح‌اند. محک ادعا نسبت به درستی. خطرهای ناشی از این محک، ۲۳۳.

نادیده گرفتن این تنوع از سوی دستوریان: فن در گابلتس، واندیره، ۲۳۵. رهیافت مبتنی بر گمانه‌زنی، ۲۳۶. برگسون، استفن، ۲۳۷. راه‌حل تقابل میان مسأله‌ی عقل و شمع، ۲۳۸. «دانش مجازی» به مثابه شناخت زیبایی‌شناختی، ۲۳۹. آرامش و خرسندی در هماهنگی. تداخل میان کاربردهای زبان، ۲۴۱. د. ه. لارنس و خورشید، ۲۴۳.

فصل ۸. معنی نزد فیلسوفان

عدم توجه به معنی در میان برخی از فیلسوفان، ۲۴۷. گزارش کوتاهی از مقالات ۱۹۲۱-۱۹۲۰ نشریه‌ی ذهن؛ شیلر، راسل، یوآخیم، سیجویک، استرانگ، ۲۴۸. بحث همزمان درباب زبان‌پریشی در مغز. عدم توانایی مشارکت روان‌شناسی معاصر در پژوهش‌های عصب‌شناسان؛ پارسونز، ۲۵۰.

تشریک مساعی آمریکاییان در سال‌های اخیر. واقعیت‌گرایان انتقادی، ۲۵۱. حضور همیشگی اصطلاح «معنی» در مباحثات اینان. دریک، لاجوی، پرات، راجرز، سانتایانا، سلارز، استرانگ. کاربرد غیرانتقادی واژه‌ی «معنی»، عامل اصلی اتحاد اینان، ۲۵۳. رفتار قابل سرزنش مونستربرگ، ۲۵۷. ارزیابی آرای مونستربرگ؛ پروفیسور مور، ۲۶۲. واژگان این فرد اخیر، ۲۶۳.

نمونه‌های بارز دیگر؛ برود، نل شیب، هالدان، رويس، ۲۶۷. کینس، ۲۶۸. روان‌شناسی رسمی؛ هفت استاد، ۲۶۹. روانکاوی؛ پوتنام، کاربردگرایان، ۲۷۱. مورخان. حتی برجسته‌ترین متفکران؛ ج.ا. مور، ۲۷۲. هنرمندان، دین‌پژوهان، و دیگران، ۲۷۳. اوج‌گیری پافشاری‌های احساسی، ۲۷۴.

فصل ۹. معنای معنی

جذابیّت مطالعه‌ی زبان در میان فیلسوفان. طرح‌بندی فهرستی از تعاریف مطرح شده در فصل ۷، ۲۷۹. شانزده تعریف اصلی استخراج شده‌اند، ۲۸۰. بحث درباره‌ی این مجموعه. معنی، ویژگی ذاتی واژه‌ها، الف) به‌مثابه رابطه‌ای تحلیل‌ناپذیر، ب) به‌مثابه‌ی ویژگی‌ای فراموش شده. توجه به معنی فرهنگ‌های لغت، پ) تأخیر در بررسی. معنی ضمنی، ت) و معنی صریح، بر ساخته‌های منطق؛ جانسون، راسل، میل، ۲۸۳. ث) جوهرهای معنایی به‌مثابه معانی ضمنی موجودیت یافته‌اند، ۲۸۴. یعنی در مقام فعالیتی طرح‌ریزی شده. ج) نوعی استعاره، شیلر. معنی به‌عنوان مفهوم، چ) تحلیل معنی در چنین وضعیتی؛ جوزف، گاردینر، ۲۸۶. آشفتگی و پیچیدگی به‌دلیل عدم انتخاب راه صحیح، ۲۸۸. جنبه‌های احساسی-ارادی، ۲۸۹. ح) معنی به‌مثابه مکان در یک نظام، ۲۹۰. نوعی کاربرد مبهم. خ) این امر، گاه سبب می‌گردد تا معنی به‌مثابه پیامدهایی تجربی تقلیل یابد، ۲۹۱. ویلیام جیمز و کاربردگرایان، یا آنان که، د) معنی را همانی می‌دانند که کاربرد می‌یابد. ذ) معنی به‌منزله‌ی نوعی ملازم عاطفی، ۲۹۳. اوریان، ۲۹۴.

ر) انگاره‌ی نشانه‌های طبیعی. نمونه‌ها، ۲۹۶. معنی در میان روانکاوان به‌مثابه «علّت». ز. الف) معنی به‌عنوان بافت روان‌شناختی در نظریه‌ی بافت‌مدار ارجاع. توضیحات بیشتر در باب این نظریه، ۲۹۷. نمونه‌ها و اعتراض‌ها. ضرورت بررسی ملاک درون‌نگری، ۲۹۸. عدم دستیابی به نتیجه قطعی در باب مجاب شدن مستقیم. چرا باید بر نمادها در تفکر انتزاعی متکی باشیم، ۲۹۹. ز. ب) معنی در مقام مصداق در نظریه‌ی بافت‌مدار ارجاع. وجود نظریه‌ای مشابه و متناظر در باب صدق، غیر ضروری است. مجدداً گوینده و شنونده، ۳۰۰. مرزبندی بافت‌ها، مشکلی برای نظریه‌ی ارتباط. ژ) معنی در حکم آنچه گوینده باید به آن ارجاع داده باشد؛ کاربرد خوب، ۳۰۲. فرهنگ‌های لغت به‌عنوان نشانگرهای همپوشی میان ارجاعات و نمادها، ۳۰۳. س) و ش) پیچیدگی در معنی، به دلیل شرایط نمادها، ۳۰۴.

فصل ۱۰. شرایط نمادها

نظریه‌ی بافت‌مدار ارجاع در مطالعه‌ی کاربرد واژه‌ها. مورد شنونده در درجه‌ی نخست توجه، ۳۰۷. بازشناخت آواها به‌مثابه واژه‌ها، مرحله‌ی مقدماتی. این امر ضرورتاً عملی خودآگاه نیست. این فرایندها در کودکی، ۳۰۸. سطوح تعبیر، ۳۱۰.

هیچ ارتباط تنگاتنگی میان ترکیبی بودن نمادها و ترکیبی بودن مصداق‌ها وجود ندارد، ۳۱۱. بافت‌های مورد نیاز برای کاربرد اسامی خاص، ساده‌تر از بافت‌های مورد نیاز برای عبارت‌های وصفی‌اند. دلایل و توضیحات، ۳۱۲. کاربرد نمادها برای تسهیل انتزاع. فراگیری واژه‌ها از طریق واژه‌های دیگر. استعاره به‌مثابه نمادپردازی اولیه‌ی انتزاع، ۳۱۳.

فرایندهای نمادپردازی در سخنگو. تفاوت‌های بارز میان افراد از این منظر، ۳۱۴. درجات متنوع وابستگی ارجاع به نماد، ۳۱۵. اهمیت بسزا و تجربی این تفاوت‌ها، ۳۱۶. گوینده، گاه رها از واژه، گاه در بند واژه، ۳۱۷. روش ساختن تکلیف این فرایندها از طریق آسیب‌شناسی. زبان‌پریشی، ۳۱۷. سطوح مختلف عدم موفقیت. تأثیر این امر بر دستورزبان. دستورزبان در حکم تاریخ طبیعی نظام‌های نمادین. کاربرد خوب، وابسته به عالم مقال، ۳۱۸. وظیفه‌ی واقعی دستور به‌مثابه دانشی تجویزی، ۳۱۹. مطالعه‌ی نمادها، مستقل از نقش‌های ارجاعی و عاطفی، نوعی وقت‌گذرانی صرف، ۳۲۰.

چندگانگی نقش‌های زبان. الف) نمادپردازی مطلق. ب) نمادها در قالب نشانه‌های انتقال پیام گوینده به مخاطبان‌اش، ۳۲۱. پ) نمادها در قالب نشانه‌های به‌کاررفته‌ی گوینده برای ارجاع به مصداق‌ها. ت) نمادها در قالب ابزارهای ترغیب نیت. ث) نمادها در قالب ابزارهای ساده‌سازی و مشکل‌آفرینی در امر ارجاع، ۳۲۳.

این نقش‌ها احتمالاً فراگیرند. جمله در نقش واسطه میان نمادپردازی و عوامل عاطفی، ۳۲۴. توضیحاتی در باب این نقش جمله، ۳۲۶. مسایل ترجمه، ۳۲۸.

نادیده گرفتن این چندگانگی نقش‌ها از سوی دستوریان. دو نقشی که در برخی از موارد به آن‌ها توجه شده است، ۳۲۹. اتمام نادیده انگاشتن شنونده. کاربرد اصطلاح بیان از سوی ووندت، دیتریش، فن هومبلدت، دوسوسور، مارتیناک و دیگران، دریاب شنونده، ۳۳۱. روش برونو، ۳۳۲.

توضیحاتی درباره‌ی پیوندهای میان نقش‌های زبان، ۳۳۴. وابستگی زبان ادب به عنوان نمونه‌ای بارز. سرچشمه‌های کلامی شاعر. توصیف لافکادیو هرن از واژه‌ها، ۳۳۶. شلی و چکاوک آسمانی‌اش، ۳۳۸. آهنگین بودن، موزون بودن، و سایر تأثیرات واژه‌ها، ۳۳۹. کاربرد عاطفی استعاره. تأثیر این عملکرد بر نمادپردازی مطلق، ۳۴۰. سردرگمی در نتیجه‌ی عدم درک درست این تأثیر، ۳۴۱.

پیامدهای جامعه‌شناختی و علمی درک بهتر زبان در کلیت خود. ضرورت پژوهش‌های بعدی، ۳۴۲. در حال حاضر فرصت این امر مهیاست. پیدایش دانشی مستقل. گستره و چشم‌اندازهای این دانش، ۳۴۲.

۳۴۵	خلاصه‌ی مطالب
	پیوست‌ها
۳۵۵	الف. دریاب دستور
۳۷۵	ب. دریاب بافت‌ها
۳۸۱	پ. نظریه‌ی انسیدموس درباره‌ی نشانه‌ها
۳۸۵	ت. چند دیدگاه جدید
۳۸۷	۱. هوسرل
۳۹۲	۲. راسل
۳۹۳	۳. فرگه
۳۹۴	۴. گومپرتس
۳۹۷	۵. باللوین
۴۰۰	۶. پیرس
۴۱۹	ث. دریاب واقعیت‌های سلبی

ضمایم

- ۴۲۹ ۱. مسأله‌ی معنی در زبان‌های بدوی. ب. مالینفسکی.
- ۴۸۷ ۲. اهمیت نظریه‌ای دریاب نشانه‌ها بر زبان در مطالعه‌ی طب.
ف. گ. کروکس هانک.
- ۵۱۳ نمایه‌ی موضوعات
- ۵۲۳ نمایه‌ی اشخاص
- ۵۳۱ یادداشت‌های مترجم
- ۵۶۹ کتابنامه
- ۵۸۵ واژه‌نامه‌ی فارسی-انگلیسی
- ۵۹۱ واژه‌نامه‌ی انگلیسی-فارسی

پیشگفتار مترجم

بالاخره به هر جان‌کدنی بود، این مصیبت را ترجمه کردم. سال‌ها بود که این کتاب در قفسه‌ای پر از نوشته‌های عجیب و غریب دیگر، خاک می‌خورد و هر سال وقتی نزدیکی‌های عید، عیال مجبورم می‌کرد، آن‌ها را گردگیری کنم، می‌دیدم که با همان شکل بی‌تناسب و کاغذ کاهی نامرغوب‌اش به من دهن‌کجی می‌کند. فرصت دیگری پیدا نمی‌کنم تا ماجرای ترجمه‌ی این کتاب را برایتان تعریف کنم و فکر کردم، بهترین جا همین جاست که معمولاً کسی آن را نمی‌خواند، و می‌توانم برایتان درددل کنم.

ماجرای به حدود بیست سال پیش، شاید هم بیشتر، باز می‌گردد. پیش استاد، دکتر علی محمد حق‌شناس بودم و صحبت‌مان به اینجا کشید که اگر قرار باشد، زبان‌شناسی در کشور گل و بلبل ریشه بگیرد، باید آثار کلاسیک این رشته را به فارسی ترجمه کرد، تا سابقه‌ی مطالعه در این حوزه معلوم شود. همان‌جا نشستیم و از حافظه‌مان، حدود بیست جلد از این نوشته‌ها را معلوم کردیم. ترجمه‌ی کتاب‌های زبان بلومفیلد، تاریخ مختصر زبان‌شناسی روبینز و زبان‌سپیر از سوی استاد، و ترجمه‌ی دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی سوسور، فن دستور دیونوسیوس تراکس، زبان و ذهن، و زبان و اندیشه‌ی چامسکی، و روندهای بنیادین در دانش زبان یا کوبسن، با کم‌سوادى من، برحسب همان قول و قرار ترجمه شدند.

وقتی استاد، دکتر هرمز میلانیان، برای مدتی کوتاه به ایران بازگشت، برای این شاگرد ناشی‌اش، دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی را با متن اصلی مقایسه کرد. من

هم اصرار کردم تا کنارش بنشینم و او دو کتاب کلاسیک مارتینه، یعنی مبانی زبان‌شناسی عمومی و تراز دگرگونی‌های آوایی را ترجمه کند. آن بزرگ، بدون این‌که حتی یک‌بار نیاز به فرهنگ لغت داشته باشد، ترجمه‌اش را بلند می‌خواند و من پاک‌نویس می‌کردم.

یکی از همان کتاب‌ها، همین کتاب بود، که مسلماً باید به همت دکتر حق‌شناس ترجمه می‌شد. اما دکتر میلانیان براین باور بود که به گفته‌ی خودش، «قلم علی سنگین است» و اگر قلم پرطمطراق دکتر حق‌شناس به سراغ ترجمه‌ی این متن پرطمطراق برود، متن فارسی آن چنان پیچیده می‌شود که قابل درک نخواهد بود. پیشنهاد استادم این بود که من این کار را در دست بگیرم و در هرجایی که لازم بود، یادداشت بگذارم.

همان‌موقع به سراغ این کتاب رفتم. متن اصلاً قابل تحمل نبود. پیش خود گفتم، یک‌بار آن را کامل می‌خوانم و هرجایی را که نفهمیدم، زیرش خط می‌کشم. کتاب‌ام به گورخر مبدل شد و به قفسه‌ی کتابخانه برگشت. با زبان‌اش مشکل نداشتم. مشکل اصلی این بود که نزدیک به یک قرن از مطالب کتاب فاصله گرفته بودم، و مجموعه‌ی وسیعی از اطلاعات روزمره‌ی آگدن و ریچاردز را نمی‌دانستم. افزون‌براین، هیچ کدام از این دو، در حوزه‌ی زبان‌شناسی تحصیل نکرده بودند و اصطلاحات را در مفاهیمی به کار می‌بردند که برایم ناآشنا بود.

کتاب در قفسه خاک می‌خورد. دکتر حق‌شناس تنهایم گذاشت. دکتر میلانیان به پاریس بازگشت و مدتی بعد، بر تنهایی‌ام افزود؛ و این کتاب همچنان خاک می‌خورد. در طول این مدت، دغدغه‌های دیگری هم داشتم. دلم می‌خواست، حرف‌هایم را درباب بافت و تعبیر متن بنویسم. نمی‌خواستم درگیر ترجمه‌ی این مصیبت بشوم، آن‌هم صرفاً به این دلیل که متن «کلاسیک» است. به سراغ کارهای خودم رفتم؛ ولی هر بار که کتابی را ورق می‌زدم و می‌دیدم که هنوز هم به این وامانده ارجاع می‌دهند، لجام می‌گرفت. خودم هم بارها به مطالب این کتاب ارجاع داده بودم، بدون این‌که برای یک‌بار هم که شده، از سر تا تاش را بخوانم. بالاخره حدود یک‌سال پیش، این کتاب را از قفسه بیرون آوردم و روی میز ناهارخوری‌مان که دفتر کارم است، انداختم. تازه فهمیدم که نسخه‌ی من،

ویراست هشتم کتاب است. می‌دانستم که آگدن و ریچاردز این کتاب را در سال ۱۹۲۳ میلادی منتشر کرده‌اند. لجام گرفت. این درو آن در زدم تا ببینم، این کتاب من، چه فرقی با نوشته‌ی اصلی دارد. وقتی فهمیدم تغییر چندانی نکرده، خوشحال شدم و به سراغ کتاب خودم رفتم. آگدن و ریچاردز برای هر ویراست تازه‌ی کتاب‌شان مقدمه‌ای نوشته بودند که معلوم می‌کرد، به شکل اولیه‌ی کتاب‌شان دست نزده‌اند. همه چیز سر جای خودش بود و لازم نبود به سراغ ویراست‌های قبلی کتاب بروم.

کتاب از ده فصل تشکیل می‌شد. بعد از فصل‌ها، چند صفحه‌ای را به خلاصه‌ی مطالب این فصل‌ها اختصاص داده بودند و سپس، پنج پیوست نیز به پایان متن افزوده بودند. در پایان کتاب، دو مقاله نیز به چشم می‌خورد. مقاله‌ی نخست، با نام «مسأله‌ی معنی در زبان‌های بدوی»^۱ نوشته‌ی مردم‌شناس مشهور، برانیسلاو مالینفسکی بود که در نوع خود، نوشته‌ای کلاسیک به حساب می‌آید. مقاله‌ی دوم، تحت عنوان «اهمیت نظریه‌ای درباب نشانه‌ها و نقدی بر زبان در مطالعه‌ی طب»^۲ نوشته‌ی فرانسیس گراهام کروکس هانک بود که حتی اسم‌اش را هم نشنیده بودم. این دو مقاله، به چند دلیل از اهمیتی ویژه برخوردارند. نخست این‌که هریک به نوبه‌ی خود تأییدی برای صحت آرای آگدن و ریچاردز، دست‌کم در زمانه‌ی خودشان، به حساب می‌آمدند. دوم این‌که مقاله‌ی مالینفسکی از این زمان به بعد، مبنای مجموعه‌ی وسیعی از پژوهش‌های مردم‌شناسان و زبان‌شناسان قرار گرفت و درنهایت، به پیدایش دانشی میان رشته‌ای به نام مردم‌شناسی زبان منجر شد. مقاله‌ی دوم نیز جذابیت‌های خاص خود را داراست و با ارجاع به آرای آگدن و ریچاردز نوشته شده است.

اسم کتاب هم برای خودش مسأله‌ای بود. من با واژه‌ی «معنا» نمی‌توانم کنار بیایم. این واژه درست است که عربی است، ولی ما آن را «معنی» تلفظ می‌کنیم.

1. B. Malinowski; "The Problem of Meaning in Primitive Languages".

2. F.G. Crookshank; "The Importance of a Theory of Signs and a Critique of Language in the Study of Medicine".

هنوز هم براین باورم که «معنا» تلفظ عربی این واژه است که «ی» آخرش را به «آ» تبدیل کرده‌ام. حال به سراغ اسم اصلی کتاب برویم. آگدن و ریچاردز متعلق به نسلی از متخصصان علوم انسانی، به ویژه زبان ادب اند که هنوز به زمانه‌ی تفکیک دو گونه‌ی زبان ادب و زبان علم نرسیده بودند و در نوشته‌هایشان، هنر را به صراحت ترجیح می‌دادند. اسم اصلی کتاب، یعنی *The Meaning of Meaning* هم بخشی از همین هنرآفرینی است. به هر حال، چند انتخاب پیش رویم بیشتر نداشتیم. یکی این که از میان حرف‌های نویسندگان، درمی‌یافتم که منظورشان «تعریف معنی» است و آن وقت اسم کتاب را تغییر می‌دادم. «تعریف معنی» دقیق‌ترین معادل است ولی آن هنر تکرار را در خود ندارد. «معنای معنا» هم که حال‌ام را بد می‌کرد. «معنی معنی» هم افتضاح بود و اصلاً نمی‌شد خواند. برای همین، از خودم هنر به خرج دادم! «معنای معنی» را انتخاب کردم، هرچند براین نکته تأکید دارم، آنچه مورد نظر آگدن و ریچاردز بوده است، «تعریف معنی» است.

فصل‌های کتاب بخش‌بندی ندارد. نویسنده‌ها در آغاز کتاب، موضوعات هر فصل را مطرح کرده‌اند و صفحه‌ی مرتبط با آن موضوع را ذکر کرده‌اند. به این موضوعات در لابه‌لای متن می‌رسیم و هر فصل ناگهان شروع می‌شود و تا آخر به پیش می‌رود. داخل متن از نشانه‌های متعددی، برای ارجاع به پانویس، ارجاع به پیوست‌ها، و ارجاع به منابع استفاده شده است که به سلیقه‌ی خودم مرتب‌شان کردم. یادداشت‌های خودم را هم با شماره‌ای درون قلاب معلوم کردم و این یادداشت‌ها را به آخر کتاب بردم. در آغاز کتاب هم، از اینترنت دوتا عکس از آگدن و ریچاردز پیدا کردم و با شرح حال مختصری از آن‌ها آوردم. هرچه این‌ورو آن‌ور کتاب را گشتم، کتابنامه‌اش را پیدا نکردم، درحالی‌که در متن به کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی ارجاع داده شده بود. مجبور شدم یک کتابنامه برای این کتاب دست‌وپا کنم.

وقتی کار ترجمه‌ی کتاب را تمام کردم و به سراغ نوشتن این پیشگفتار رفته بودم، دوستی خبر داد که این کتاب چند سال پیش ترجمه شده است. از خودم حسابی لجام گرفت که خبر نداشتم. سال‌هاست سعی می‌کنم وارد هیچ

کتابفروشی ای نشوم تا نکند و سوسه شوم و کتاب بخرم. این هم از مرض های لاعلاج نسل من است که خوشبختانه ریشه کن شد! نسل جدیدمان، خدا را شکر، از این مصیبت راحت شدند و خرید هر چیزی، حتی مداد ابرو را به خرید کتاب ترجیح می دهند. آن وقت ها، ما پول ناهارمان را می دادیم، از این مصیبت ها می خریدیم، و تازه خودمان را مجبور می کردیم که این ها را بخوانیم. دوران بدی بود. ولی به خیر گذشت!

داشت یادم می رفت چه می گفتم. سلاسه سلاسه خودم را به کتابفروشی محله مان رساندم و آن ترجمه را خریدم. همان جا روی چهارپایه ای نشستم و کتاب را ورق زدم. یکدفعه احساس کردم، شاید هم بد نباشد، ترجمه ی دیگری هم از این کتاب منتشر شود.

در خاتمه، بد نیست به چند نکته درباره ی برگردان حاضر اشاره کنم. به هنگام مطالعه ی نوشته ی حاضر باید همواره به این مورد توجه داشت که متن اصلی، حدود یک قرن پیش به رشته ی تحریر درآمده است. در آن ایام، دانشی به نام «زبان شناسی» در شکل امروزی اش پدید نیامده بود و هیچ توافقی نیز در کاربرد اصطلاحات این حوزه وجود نداشت. ما در آن ایام، با کاربرد اصطلاحاتی مواجه می شویم که اساساً یکدست نیستند و می توانند برای خواننده ی امروزی این دسته از متن ها، به سردرگمی بیانجامند. به همین دلیل، واژه نامه ی پایان این برگردان را باید با توجه به همین نکته مدّ نظر قرار داد. حتی اصطلاح Symbolism که در اصل، نام نظریه ی آگدن و ریچاردز به حساب می آید و من در اینجا «نمادگرایی» نامیده ام، به واقع باید «نمادشناسی» به حساب آید؛ یعنی «دانش مطالعه ی نمادها»، و نه «مکتب گرایی به نماد». بدترین وضعیت وقتی به سراغ مان می آید که دو نویسنده ی کتاب حاضر، اصطلاحی را با تعریف مورد نظر خود به کار می برند و سپس به نقل قول از افرادی می پردازند که همان اصطلاح را در مفهوم دیگری به کار برده اند. من در تمامی این موارد، معادل های اصلی را در داخل متن و درون قلاب آورده ام، تا مشکل درک مطلب را به حداقل برسانم.

در زمانه ی تدوین این کتاب، متخصصان زبان و ادبیات انگلیسی، به ویژه در دو دانشگاه کمبریج و آکسفورد، مخالفان سرسخت دانشی بودند که به تدریج در

میان متخصصان فرانسه‌زبان و آلمانی‌زبان شکل می‌گرفت و قرار بود بعدها به رشته‌ای مستقل به نام «زبان‌شناسی» مبدل شود. اینان براین باور بودند که شکل اولیه‌ی این رشته، یعنی «فقه‌اللغه» نیز تخصصی در حدّ مطالعه‌ی تاریخ دستور زبان است و راه به جایی نمی‌برد زیرا مطالعه‌ی دستور زبان، بخشی از کار متخصص زبان و ادبیات است. این باور را در سرتاسر کتاب حاضر می‌بینیم.

کوروش صفوی

تهران. ۱۳۹۶